

فارکس به سبک پشوتن

آموزش فارکس در ۱۰۰ روز ...

1

مؤلف : پشوتن مشهوری نژاد

«مبایش» و تولیدکننده پیام آذرباد»



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

بخش هشتم (مرحله مت...



سلام

من «پشوتن مشهوری نژاد» هستم،

مترجم کتاب دکتر بیل ویلیامز ،

ویک تریدر از نسل منقرض شده ی فارکس ایران !

اطلاعات تماس با مولف:

نام :

▪ پشوتن مشهوری نژاد

سابقه فعالیت :

▪ تالیف و ترجمه مقالات و

کتاب آموزشی فارکس

▪ مدرس دوره های آموزشی

▪ مشاور و تحلیلگر فارکس

تلفن تماس :

▪ ۰۹۳۹۵۹۷۸۵۱۱

ایمیل :

mailto:fx_pashootan@yahoo.com

فارکس به سبک پشوتن



بررسی هفته گذشته :

- ببینید ، این تصویر هفته گذشته را برای یورو دلار نشان میدهد!
آیا به نظرتان هفته اخیر، ایام خوبی برای معامله کردن بوده است؟!



ظاهر امر نشان میدهد که: بلی!

نواحی آبی رنگ مناطقی را نشان میدهند که روند صعودی بوده است و میتوانستیم بدنال موقعیت های مناسب برای **بای** کردن باشیم. و نواحی قرمز رنگ مناطق مناسب برای **سل** کردن را نشان میدهند.

همانطور که در شکل فوق مشاهده فرمودید، حداقل ۵ ناحیه نسبتا بزرگ و کاملا مناسب وجود داشته اند که در

آنها میتوانسته اید بر مبنای روش PTM به سوار شدن بروی قله ها و دره های همسو با روند اقدام مناسبی
ولی پس چرا بسیاری از دوستانتان اظهار میکنند که در طول هفته گذشته ،

معاملات مثبتی را تجربه نکرده اند؟!

و هفته ا

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



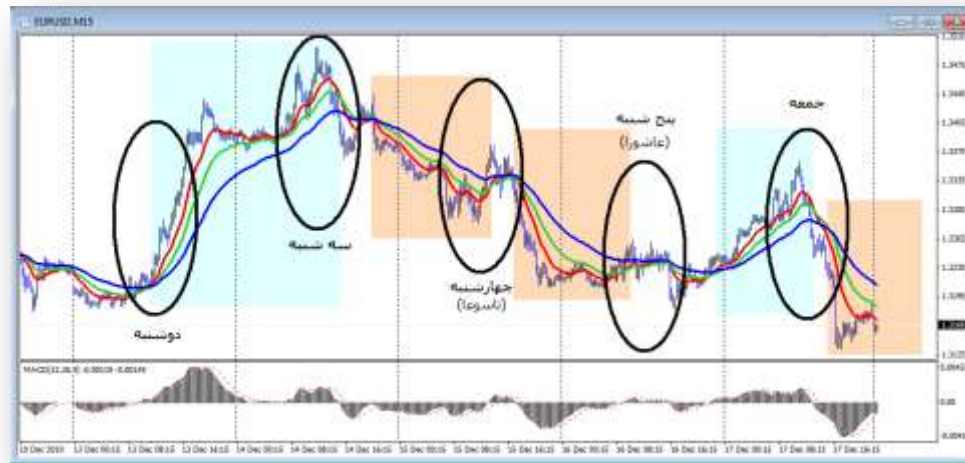
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشره

○ دلیل این تناقض در ساعات معاملاتی ایران نهفته است ، و در شکل زیر ارایه شده است:



فرض کنید که ما در بهترین حالت بتوانیم در ایران از ساعت ۹ صبح الی ۹ شب (یعنی برای ۱۲ ساعت متوالی و پی در پی) یک نفس پای چارت بنشینیم و به ترید کردن و استفاده از تمامی موقعیتهای مناسب، مشغول باشیم! که البته بدیهی است که چنین چیزی کاملا محال است! و بفرض هم که کسی اینچنین زمانی را برای ترید کردن مسلسل وار خودش اختصاص دهد، خستگی و فرسودگی روحی و ذهنی اش موجب کاهش شدید بازده و راندمان کاری اش خواهد شد! ولی صرفا بعنوان یک الگوی خیالی و البته ایده ال ، اجازه دهید چنین فرض کنیم که ساعات معاملاتی در ایران، از ۹ صبح تا ۹ شب باشد.

در شکل فوق ، هریک از بیضی های سیاه رنگ ، دقیقا همین ساعات مفید معاملاتی را بوقت تهران مشخص میکند، و درواقع زاویه نگاه یک تریدر ایرانی را نسبت به حرکات ایجاد شده در مارکت ، نشان میدهد! حالا دیگر کاملا واضح است که چرا یک تریدر ایرانی در طول هفته اخیر ، احتمالا موفق به انجام معاملات سودآور و دلپذیری نشده است! درواقع تنها یک روز - و آنهم دوشنبه - بوده است که شما میتوانستید معاملات خوبی را که با سودهای نسبتا بزرگ و مناسبی توأم باشد ، انجام دهید!

اگر مشابه این نتایج را در سایر بازارهای مالی مشاهده کنید ، به احتمال زیاد دلیل آن نیز همین خواهد بود!

○ جمع بندی - بهترین موقعیتهای ترید در هفته قبل برای دو زوج ارز اصلی بازار:

زوج ارز یورو دلار : EURUSD

بهترین روز برای ترید کردن صرفاً روز دوشنبه بوده است.
از زمان ارایه اولین سیگنال ورود به بازار (Buy) بر مبنای روش PTM تا انتهای مسیر ،
بیشترین سود قابل حصول برابر با حدود ۱۴۰ پیپ بوده است.

زوج ارز پوند دلار : GBPUSD

بهترین روز برای ترید کردن صرفاً روز چهارشنبه بوده است.
از زمان ارایه اولین سیگنال ورود به بازار (Sell) بر مبنای روش PTM تا انتهای مسیر ،
بیشترین سود قابل حصول برابر با حدود ۱۷۰ پیپ بوده است.

➤ از جمع بندی فوق چنین نتیجه گیری میشود که برای يك تریدر نیمه حرفه ای ،
محدود شدن صرفاً بر روی يك زوج ارز خاص، امری معقول و منطقی نمی باشد!
چرا که در بسیاری از مواقع ، منجمله مانند هفته اخیر ،
ممکن است در يك روز خاص زوج ارز اصلی مورد نظر در شرایط مطلوبی قرار نداشته باشد،
در حالیکه در صورت بررسی مختصر بر روی سایر زوج ارزهای بازار،
شرایط بسیار مناسبی را بر روی برخی از زوج ارزهای موازی به سهولت پیدا نمایید

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

- کادوی شب یلدا (۱۳۸۹)، از طرف من برای شما!!
- آیا برای امشب مهمان نمیخواهید!!
- بالاخره اگر اسم اینجا «دنیای مجازی» باشد،
- پس بنده هم حکم يك «میهمان مجازی» را در خانه های شما خواهم داشت !!!
- خوب، دست خالی که نمیشود بیایم!
- پس این هم کادوی بنده، صرفا بعنوان يك چشم روشنی، تقدیم به شما عزیزان !!

بازار بر قدرت STR



(تافرض روند صعودی)

- ۱- شیب مووینگ آبی
- ۲- ترتیب مووینگها RGB
- ۳- قیمت بالای مووینگ قرمز $P > R$

شیب وسط مرغوبت

- ۱- شیب آبی بیش از ۳۰ درجه باشد
- ۲- فاصله مووینگها بیش از ۱۰ بیت باشد

شروط عدم ورود:

- ۱- واگرایی مکدی:
- نوع اول: واگرایی دو فله (دو دره)
- نوع دوم: واگرایی شیب به شیب
- ۲- فاصله بیش از حد تا مووینگ قرمز
- ۲- نزدیکی بیش از حد به عدد رند، سقف و کف دبروز، فله ها و دره های مهم و غیره

شروط قدرت بازار:

- ۱- واگرایی مووینگها (بارشدن دهان نمساج)
- ۲- بزرگی اندازه مکدی

فارکس به سبک پیشو تن

روز پنجاه و پنجم.

نحوه بررسی کندلهای هفتگی: ترسیم نواحی **NSA** و **NBA** و غیره!

○ سلام.

وقتی که تعداد نامه هایی که هر روز دریافت میکنم و در آنها درخواست کرده اید که در مورد نحوه رسم سطوح

NSA و **NBA** توضیحات بیشتری را خدمتتان ارایه کنم، از پنج عدد و ده عدد نامه در روز بیشتر میشود!

به معنی آن است که قاعدتا بسیاری از شما همچنان با این موضوع، یعنی بررسی کندلهای هفتگی، مشکل دارید!

یا لاقلاً خودتان اینطور فکر میکنید که مشکل دارید!!

درحالی که اگر نظر من را بخواهید، مطمئن هستم که این بار نیز مشکل اصلی شما، کماکان به همان اعتقاد و علاقه

خاصی که، بطور ناخودآگاه، به پیچیده دیدن و پیچیده کردن فارکس دارید، برمیگردد!

چون از بین سه تایم فریم مختلف ((هفتگی، روزانه و چهارساعته)) قطعاً ساده ترین آنها،

همان W1 است و کاری که شما باید بر روی کندلهای آن انجام دهید!!

همانطور که بارها گفته ام، تمام تجزیه و تحلیل شما در تایم فریم W1 صرفاً خلاصه میشود در بررسی کندلهای از

دیدگاه «کندل استیک» و بکارگیری تمامی آنچه که درباره کندلهای و «الگوهای کندل استیک» آموخته اید.

بعنوان مثال، اینکه بعد از يك کندل کاملاً بولیش، با بدنه کاملاً صعودی، قاعدتاً نباید انتظار آغاز روندی نزولی را

داشته باشید و مثلاً در انتهای پایینی آن، نباید به دنبال موقعیت های **SELL** کردن باشید یعنی همان (**NSA**)

واقعا انقدر پیچیده و مشکل است که هر جا من را میبینید، سریع یقه من را میگیرید(!) و داد و فریاد به راه میاندازید که:

«استاد پشوتن! بدادم برس که من با نحوه رسم سطوح **NSA** و **NBA** مشکل دارم!» !!؟

اصلاً حالا که اینطور شد، بگذارید یکبار دیگر با چنان زبان ساده ای، این موضوع را برایتان توضیح بدهم،

که خداوکیلی اگر دخترچه دوساله بنده هم اینجا نشسته بود،

بتواند وقتی کلاس تمام شد، يك هفت هشت ده تا **NSA** و **NBA** بر روی

در و دیوار این تاپیک، برایتان رسم کند!!

- ببینید ، هنگامیکه شما به تایم فریم هفتگی نگاه میکنید، معمولا اگر خوش شانس باشید! ممکن است با یکی از سه حالت زیر روبرو شوید:

حالت اول – وقتیکه روندی بسیار پر قدرت در مارکت وجود داشته باشد.

حالت دوم – وقتیکه يك روند ضعیف یا متوسط وجود داشته باشد.

حالت سوم – وقتیکه بازار برای چند هفته درحالتی رنج و راکد باقی مانده باشد.

در حالت اول

با کندلهایی روبرو خواهید بود که نه تنها کاملا بصورت پلکانی تشکیل شده اند ، و نه تنها هیچ کندلی به نقطه انتهایی کندل قبل از خودش نمیرسد، بلکه حتی معمولا به نقطه باز شدن (Open) کندل ماقبل هم نخواهد رسید! چرا!؟

چون مردم در روندهای بسیار پر قدرت معتقد هستند که: - «فردا ، حتما قیمتها گرانتر از امروز خواهند بود!»

پس هر بار حاضر هستند که اندکی گرانتر از قبل، کالای موردنظر خود را خریداری کنند، چون معتقد هستند که دیگر قیمت به آن ارزانی گذشته نخواهد رسید!

حتی در روندهای بسیار قوی، معتقد هستند که قیمت به قیمت ابتدایی هفته قبل هم نمیرسد! بنابراین نقطه low یا high کندل فعلی ، حتی به open کندل قبل هم نمیرسد!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



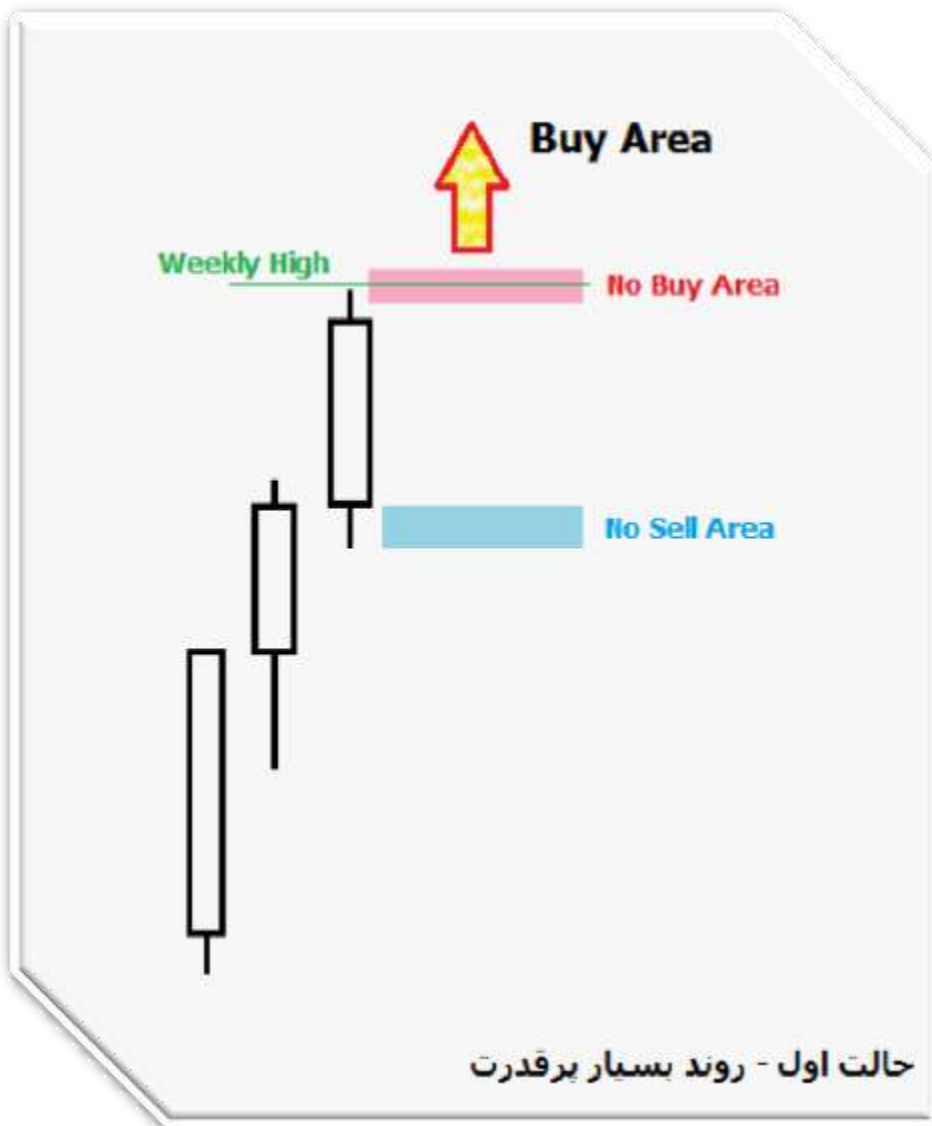
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

حالت اول - وقتی روندی بسیار پر قدرت در مارکت وجود داشته باشد.



فارکس
به سبک
پشتون

○ اما در حالت دوم

اگرچه درست است که يك هنوز يك روند (مثلا صعودی) در بازار وجود دارد، و درست است که معمولا هر کندلی در بالای انتهای کندل قبلی (Low در روندهای صعودی) می ایستد، ولی این روند آنقدر قدرتمند نیست که نقاط بازگشایی هفتگی بازار هم (Open) در ذهن و خاطر مردم باقی بماند.

بنابراین در این حالت دیگر شما نباید يك مستطیل را از Low تا Open رسم کنید! چون نه تنها منطقی نیست بلکه ابعاد چنین مستطیلی ممکن است مثلا در يك کندل دوجی، برابر با چند صد پیپ بشود!!!

بنابراین در چنین حالتی صرفا کافی است که يك ناحیه مثلا ۵۰ پیپی را در پایین (یا بالای) کندل مذکور رسم نمایید، تا در هفته آتی هرگاه به چنین بازه ای رسیدید یادتان باشد که احتمال بازگشت بازار وجود دارد!

فارکس به سبک

پشتون



abcBourse.ir



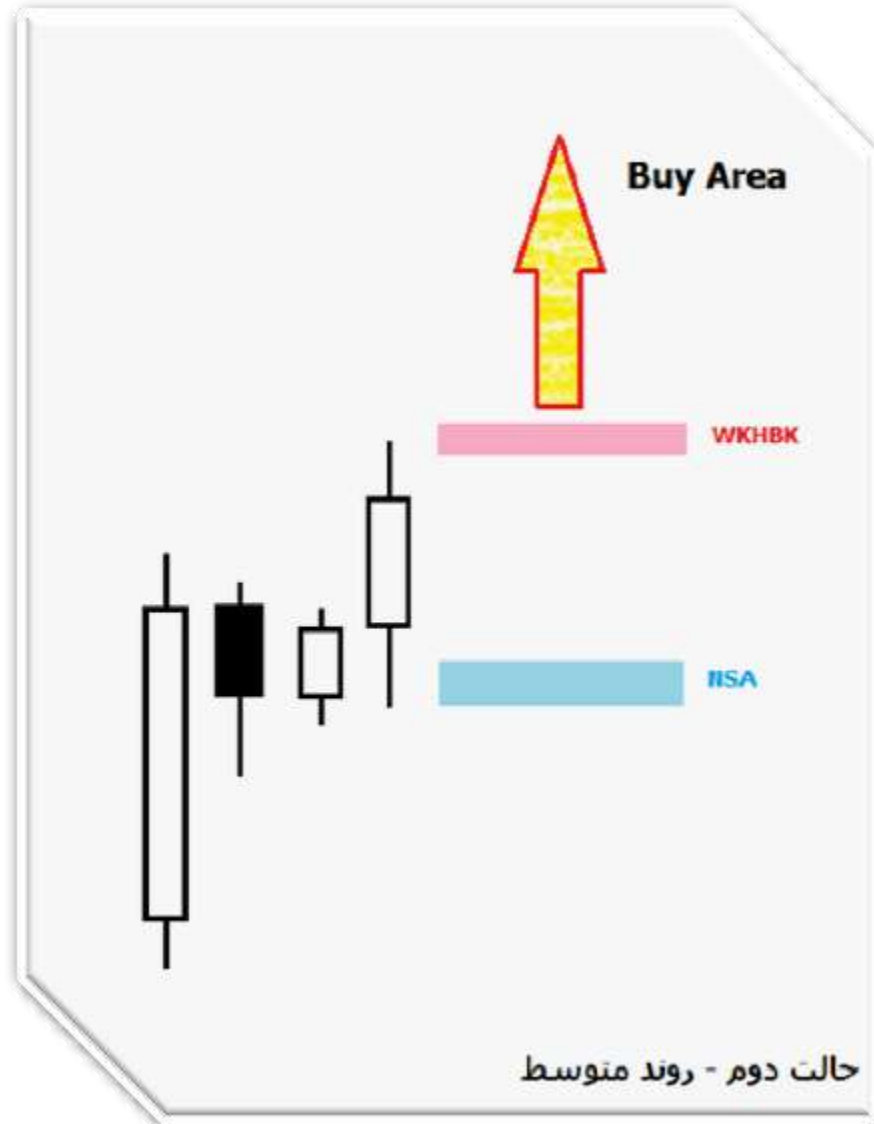
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

حالت دوم - وقتی که یک روند ضعیف یا متوسط وجود داشته باشد.



○ نهایتاً حالت سوم

هم مربوط به مواقعی میشود که (مثلاً مانند همین دو سه هفته اخیر) بازار برای مدت زمان نسبتاً طولانی در شرایط رنج و بدون جهت قرار داشته باشد، و در يك ناحیه محدود و تقریباً کوچک، دایماً بالا و پایین برود.

در چنین حالتی نواحی بالایی و پایینی ناحیه مذکور، بهترین نقاط برای دریافت يك سیگنال ریورسال، و مشاهده بازگشت روند قبلی خواهند بود!
چون بدیهی است که روش ترید در چنین بازار رنجی، این است که در بالای کندلها پوزیشن **Sell** بگیرید و در پایین آنها پوزیشن **Buy**!



قوانین ترید کردن مانند
قوانین راهنمایی و رانندگی نیستند
که پلیس بتواند آنها را نقض کند!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



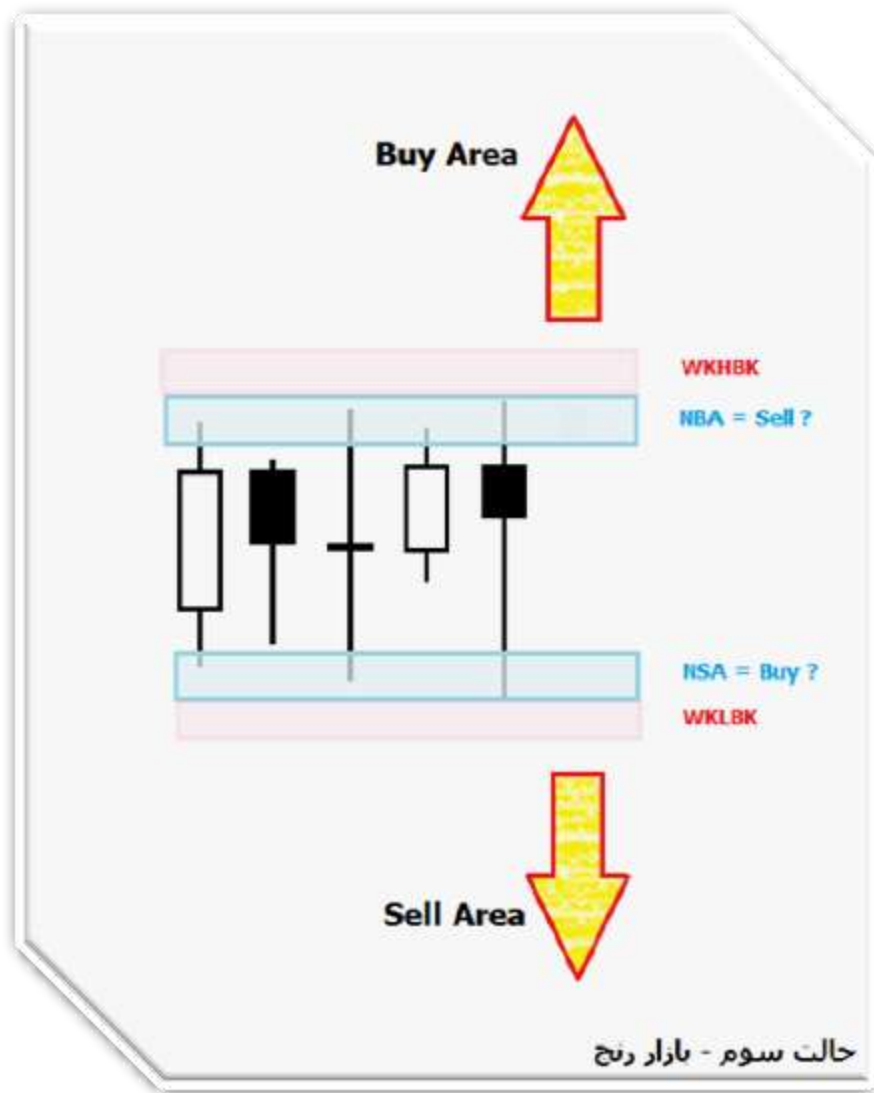
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

حالت سوم - وقتیکه بازار برای چند هفته درحالتی رنج و راکد باقی مانده باشد.



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ ببینید حرفه‌هایی که من دارم میزنم خیلی بدیهی است!

نمیدانم چرا آنقدر چپ چپ به من نگاه میکنید!!

شاید در این مدت آنقدر حرفهای جدید و حیرت برانگیز(!) برایتان گفته ام، که دیگر وقتی خودم هم میگویم

حرف هایم ساده و ابتدایی است، شما باورتان نمیشود!!

باور کنید اگر همه این حرفها را در یکی از تایپیکهای بغلی، مثلا در مدرسه فارکس - الگوهای کندل استیک - شنیده

بودید، بدون ذره ای ابهام همه آنها را بعنوان نکات بسیار ساده و پیش پا افتاده قبول میکردید!

ولی حالا چون من دارم از يك عبارت قلمبه سلمبه مثل «روش تحلیل هفتگی» ویا مثلا عبارات باکلاسی

چون **NBA** و **NSA** استفاده میکنم،

اینقدر خودتان را (والبته بنده را!) اذیت میفرمایید و هی میگویید که:

«نه استاد پشتون! فایده نداره باز هم نفهمیدم!!»

بسیار خوب، حالا که بحث به اینجا رسید، لابد اجازه میفرمایید که بگویم که :

اگر قیمت بتواند سقف هفته قبل خودش را بشکند، کار خیلی مهمی کرده است و احتمالا دلیلی

بر آغاز يك روند صعودی خواهد بود! و بنابراین اجازه میدهید که بگویم :

بهرتر است در بالای سقف هفته قبل بنویسیم:

«شکست سقف هفتگی = آغاز احتمالی يك روند صعودی»!؟

خب همین عبارت به زبان مختصر میشود:

WKHBK=UT

یعنی :

Weekly High BreakOut = Up Trend

سخت بود!!؟

«نه استاد»

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

○ آفرین ! حالا شدی چیز حسابی!

این اولین جمله درستی بود که امروز از شما شنیدم!!!

پس حالا که انقدر بچه های خوب و با استعدادی هستید ، فقط اجازه بدهید که این را هم بگویم که :

➤ آیا بهتر نیست پس از شکسته شدن سقف هفتگی ،

يك مدت کوتاهی را صبر کنیم (مثلا به اندازه ۵۰ پیپ) تا از اینکه این «شکست» آیا واقعی است یا کاذب؟

کاملا مطمئن گردیم؟!

«چرا استاد پشتون! شما کاملا مختار هستید که هرچقدر دوست دارید صبر بفرمایید!

ما که هیچوقت روی حرف شما حرف نمیزنیم!»

اگرچه این جمله آخرتان يك ذره مشکوک بود(!?)

ولی بهرحال من فرض را بر این میگذارم که انشالله منظورتان این بوده است که

این نکته نیز کاملا بدیهی و منطقی است! بنابراین سختم را اینطوری تمام میکنم که :

➤ برای نواحی **WKHBK** و **WKLBK** يك ضخامت حدودا ۵۰ پیپی را در نظر می گیریم

و آنها را در بالا و پایین کندل ماقبل رسم میکنیم!

که آنها را در شکل زیر مشاهده میفرمایید:

((آپاراتچی : کدام شکل مرد حسابی!!! دیگر شکلی باقی نمانده است!))

ای بابا راست میگوید این بنده خدا ، دیگر نیاز به ارایه شکل جدیدی نیست!

چون در همان شکل های قبلی ، همین نواحی مذکور را نیز برایتان رسم کرده بودم!

پس لطفا فقط یکبار دیگر به همان سه تا شکل بالا برگردید.

و این بار توجه خودتان را صرفا بر روی نواحی **WKHBK** و **WKLBK** بگذارید!

و ارتباط آ

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

قوانین روش ورود زودهنگام!

○ سلام!

این آخرین پوزیشنی بود که دیروز - یعنی در واقع دیشب! - در این تایپک خدمتان اعلام کردم.



یه وقت فکر نکنید که این سیگنال «زنده» است ، بروید و سل کنید ها !!!

فعلا فقط دارم درباره سیگنال دیروز صحبت میکنم!

و درواقع میخواهم يك نکته آموزشی را درلابلای آن بگویم!

16

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ بسیار خب، این هم وضعیت فعلی بازار است

صرفا چند ساعت مانده به عید کریسمس و تعطیلات چند روزه بازارهای بین المللی :



البته هدفم از یادآوری مجدد این پوزیشن، مطلقا تاکید بر امکان ترید کردن در روزها و حتی ساعات پایانی سال میلادی نیست!

چرا که این موضوع را قبلا نیز هزاران بار خدمتتان عرض کردم!!!

بلکه الان میخواهم به يك موضوع بسیار مهمتری اشاره کنم که نام آن

«روش»



○ اگرچه میدانم که بیان این نکته ، موجب بدآموزی برای خیلی ها میشود!

و ممکن است که از این به بعد بسیاری از نوآموزان که هنوز با اصول و مبانی اولیه روش **PTM** به اندازه کافی آشنا نشده باشند، به بهانه «**ورود زودهنگام!**» دست به اعمالی ماجراجویانه بزنند!!

و شروع به وارد شدن به انواع و اقسام موقعیتهای خطرناک و نامناسب نموده و بعد هم ، وقتی که در پایان با دو سه تا استاپ اساسی مواجه شدند!! عصبانی شده و مدعی شوند که :

« اصلا این روش **PTM** از پایه و اساس ، عجب روش بیخودی است!!!»

ولی با این وجود ، باتوجه به آنکه دانستن این موضوع برای بسیاری از عزیزانی که از روز اول ، همراه و همگام ما بوده اند، لازم است ،لذا بر شك و دودلی خودم چشم پوشی نموده ، و به توضیح این روش می پردازم!

لطفا به نمودار اولیه ین ژاپن ، مجددا به دقت نگاه کنید!

و ببینید که آیا در لحظه ارایه سیگنال مذکور، آیا واقعا وضعیت نمودار ، مناسب و منطبق بر قوانین بوده است؟! آیا وضعیت مووینگها ، حقیقتا مطلوب است؟! و آیا قیمت در ناحیه **NTZ** قرار ندارد؟! البته نیازی به فکر کردن نیست!

چون کاملا واضح است که شرایط بازار در لحظه مذکور اصلا منطبق بر روش ، نبوده است!

پس چرا و چطور به خودمان اجازه دادیم که در چنان شرایطی ، پا بر روی اصول و قواعد اساسی روش خودمان گذاشته ، و برخلاف مفهوم وضعیت **NTZ** که ثبت پوزیشنهای جدید را منع میکند ، اقدام به گرفتن پوزیشن جدید نماییم؟!!

پاسخ در این جمله نهفته است که :

از روش «**ورود زودهنگام!**» استفاده کردیم!!

به
سبک

فارکس

پشتون

○ و اما این روش «ورود زودهنگام» دیگر چه سیغه ای است؟!

این روش صرفاً برای مواقعی تعریف شده است که بازار، پس از طی يك روند پرقدرت و STR بطور موقت وارد فاز رنج و شرایط « NTZ ناقص» میگردد، ولی ما پیش دستی نموده و باتوجه به آگاهی از روند پرقدرت قبلی، قبل از آنکه بازار بطور واقعی از شرایط NTZ خارج گردد، در پایین آخرین دره (یا قله) به انتظار شروع مجدد روند پرقدرت قبلی می مانیم!

درواقع میتوان چنین توجیه کرد که ما ، باتوجه به تجربه درازمدتی که در مشاهده و کارکردن با چارتهای مختلف داشته ایم، به آنچنان تبحر چشمی و ذهنی دست یافته ایم، که پیش از آنکه «فاصله» و «شیب» مووینگها به حداقل مطلوب و مجاز سیستم برسد، خودمان پیش دستی نموده و می توانیم در ذهن خود مجسم کنیم که با عبور قیمت از دره (یا قله) موردنظر، وضعیت مووینگها نهایتاً به چه شکلی در خواهد آمد!!!

به عبارت دیگر همانطور که در شکل زیر مشاهده میکنید، در نقطه ۱ و یا در نقطه ۲ ، علیرغم آنکه وضعیت مووینگها برای ورود مثبت پوزیشن مناسب نیست، ولی ما با قرار دادن يك سفارش پیش فروش در زیر آخرین دره، در ذهن خود مجسم کرده ایم که وقتیکه قیمت به نقطه ۳ رسیده و پوزیشن مذکور فعال گردید، قاعدتاً وضعیت مووینگها نیز تا آن لحظه ، مناسب و ایده آل خواهد شد!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

- نکته بسیار بسیار مهم این است که شما ، صرفا در شرایطی مجاز به استفاده از روش ورود زودهنگام هستید که سه شرط زیر حتما بطور همزمان ، کاملا صادق و برقرار باشند!

➤ **شروط لازم برای ورود زود هنگام :**

شرط اول - در تایم فریمی که ترید میکنید، روند قبلی ، همسو با پوزیشن مورد نظر شما باشد!

شرط دوم - روند قبلی پر قدرت (STR) باشد!

شرط سوم - روند در تایم فریم يك (یا دو) درجه بالاتر نیز ، همسو و پر قدرت (STR) باشد!



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازار نشر :

○ البته به این نکته خیلی دقت بفرمایید که صرفا داریم درباره شرایطی صحبت میکنیم که: اصول اولیه روش ، برای اطمینان از عدم تغییر روند ، صادق باشند! یعنی وضعیت و ترتیب مووینگها نسبتا مناسب باشد، ولی بعنوان مثال «قیمت» در شرایط NZT قرار گرفته است ، و یا مثلا فاصله ویا زاویه مووینگها هنوز به حدنصاب لازم نرسیده است و غیره ... ! ملاحظه فرمودید؟! آنجاییکه می گفتم که ممکن است بدآموزی داشته باشد ، دقیقا همینجاست!

اگر به چارتهای گذشته در این تایپك مراجعه بفرمایید ، حتما مشاهده خواهید نمود که من در بسیاری از مواقع (حتی شاید یواشکی!! و بدون آنکه شما اصلا متوجه آن شده باشید!) درحالیکه ظاهرا شرایط بازار نامناسب بوده است، ولی اقدام به پوزیشن گیری و ثبت سفارش کرده باشم! اما اگر آن موقعیت ها را به دقت بررسی کنید، قطعاً ملاحظه خواهید نمود که امکان ندارد که من پوزیشنی را بصورت «زودهنگام» گرفته باشم ولی شروط فوق ، یعنی شروط لازم برای اجازه به «ورود زودهنگام» به بازار ، برقرار نبوده باشند!

لطفاً به شکل های زیر نیز دقت بفرمایید و ببینید که در مثال فوق، نه تنها روند قبلی در تایم فریم M15 کاملاً نزولی و پرقدرت بوده است، بلکه حتی در تایم فریم بالاتری همچون M30 نیز با روندی نزولی و STR روبرو بوده ایم!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:



لذا بخودم اجازه داده ام، که پیشاپیش وضعیت آتی مووینگها را در لحظه گذر از آخرین دره، در ذهن خود مجسم نموده ،
و صرفا بر مبنای تصویر خیالی و ذهنی خویش ، به این نتیجه برسم که (انشالله!!) به زودی فاصله و زاویه مووینگها برای
پوزیشن گیری مناسب خواهند شد!
پس یاعلی!! و بزن بریم تو کار ورود زودهنگام sell stop!!

➤ يك بار دیگر تاکید میکنم که این روش میتواند برای نوآموزان و عزیزانی که هنوز چشم و ذهنشان به وضعیت
استاندارد مووینگها عادت نکرده است، بسیار مخرب و ویرانگر باشد!!

و لذا مجددا استدعا میکنم که اگر هنوز به اندازه کافی بر روی اصول و مقدمات روش **PTM** استاندارد،
تمرین نکرده اید، فعلا بطور کل قید استفاده از این روش را بزنید، و صرفا به همان
موقعیتهای ورودی در آید و اکتفا کنید که در طول روز به همان

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشره

مقدمه:

. . . درب با صدای «تق» باز می شود و به آرامی بروی پاشنه اش میچرخد .
شرلوک هولمز پاورچین پاورچین ،
درحالیکه از ترس و نگرانی گلویش خشک شده ،
خودش را به درون ساختمان دفتر کار آقای قاری می کشاند!



ساعت از نیمه شب گذشته است،
و هولمز مطمئن هست که قطعا هیچکس متوجه حضور او در ساختمان ،
و ورودش به طبقه چهارم نشده است!

درواقع این ماجرا از حدود ۵۰ روز پیش آغاز شده است!

○ زمانیکه وکیل برجسته ای ، که به وکالت از گروه های مافیایی مشهور است ،
به نمایندگی از چندین بروکر معروف(!) به نزد شرلوک هولمز آمده ،
و داستانی را درباره گروهی از تریدرهای ایرانی و گمنام(!) که اخیرا موفق شده اند ظرف مدت زمانی بسیار کوتاه ،
سرمایه هنگفتی را از حسابهای بروکرهای مذکور بیرون بکشند، برای او تعریف میکند!

هولمز شروع به تحقیق درباره نحوه فعالیت این گروه مرموز میکند
و طی تحقیقات خویش، پرده از راز فعالیتهای این گروه بر میدارد:

« اینها گروهی از تریدرهای ظاهرا آماتور هستند!
که با دست یابی به سیستمی پیچیده که خودشان نام آن را بصورت رمزنگاری شده PTM می نامند ،
موفق به انجام معاملاتی شدیدا سودآور شده اند!
و بنابراین با تریدهایی که هر روزه انجام میدهند ،
به راحتی چندین برابر اصل سرمایه اولیه خودشان را از بروکر مربوطه ، دریافت می کنند!»

هولمز متوجه میشود که سردسته این گروه ،
فردی است ملقب به «استادباباپشونا» که
ردپای او در پشت تمامی حمله هایی که اخیرا به بروکرهای مذکور وارد شده است، وجود دارد!!

شرلوک هولمز در ادامه تحقیقات خود ، به ناچار راهی ایران میشود،
و با بررسی مکاتبات درون گروهی این افراد،
نهایتا نشانی از سردسته آنها را درحوالی خیابان سهروردی پیدا میکند!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ هولمز که مطمئن است به هسته مرکزی گروه تبهکاران(!) دست یافته است، بطور شبانه، خودش را به ساختمان مرکز فرماندهی، می‌رساند و مخفیانه وارد آنجا می‌شود! سپس شروع به جستجو در میان کلیه اسناد و مدارک موجود نموده، و در کشوی یکی از میزها، چشمش به مجموعه‌ای از تصاویر عجیب و مبهم می‌افتد!! واضح است که تصاویر مذکور، توسط شخص سردسته گروه، و به منظور طراحی دور جدیدی از حملات بر علیه بروکرها تهیه گشته‌اند!

بنابراین شرلوک هولمز باید تمام سعی خودش را بکند تا این تصاویر را به موقع رمز گشایی کرده و پی به معنا و مفهوم درونی آنها ببرد!

متاسفانه هیچگونه توضیح و تفسیر اضافه‌ای در کنار این تصاویر وجود ندارد!

و بنابراین پیدا کردن راز این تصاویر برای شرلوک هولمز، که هیچگونه آشنایی با شغل و تخصص این افراد ندارد، بسیار دشوار است!

تنها راهنمای هولمز در این مأموریت، تعداد اندکی از کلمات و عبارات کوتاه هستند که در پشت برخی از عکس‌ها به چشم می‌خورند، و قاعدتا باید دست خطی از خود فرمانده گروه «استادبابا» باشد!

تصمیم داریم که از این به بعد هر از گاهی، برخی از این عکسها را با نام «تصاویر شرلوک هولمز» در این تاپیک ارایه کنیم!

مجموعه تصاویری که شرلوک هولمز باید هرچه زودتر از راز آنها پرده بردارد!

و معنای هر کدام را برای کارفرمایانش در خارج از ایران، ارسال کند!

وظیفه شما:

وظیفه شما در این ماجرا این است که به شرلوک هولمز کمک کنید تا معنی این تصاویر را بفهمد! و درواقع بتواند این تصاویر را هرچه سریعتر رمزگشایی کند!!

تا با ارسال معنی آنها برای دکتر واتسون در آن سوی مرز، مأموریتش را به درستی به انجام برساند!



تصاویر شرلوک هولمز - بخش اول!

- به شرلوک هولمز کمک کنید تا معانی تصاویر زیر را بفهمد؟! (فعلا با تصاویر ساده تر آغاز میکنیم، و به تدریج در روزهای دیگر، آنها را پیچیده تر می نماییم!)

مجموعه تصاویر سری اول :

متن: در پشت عکسها صرفا نوشته شده است: **Congestion**

تصویر شماره 1:



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

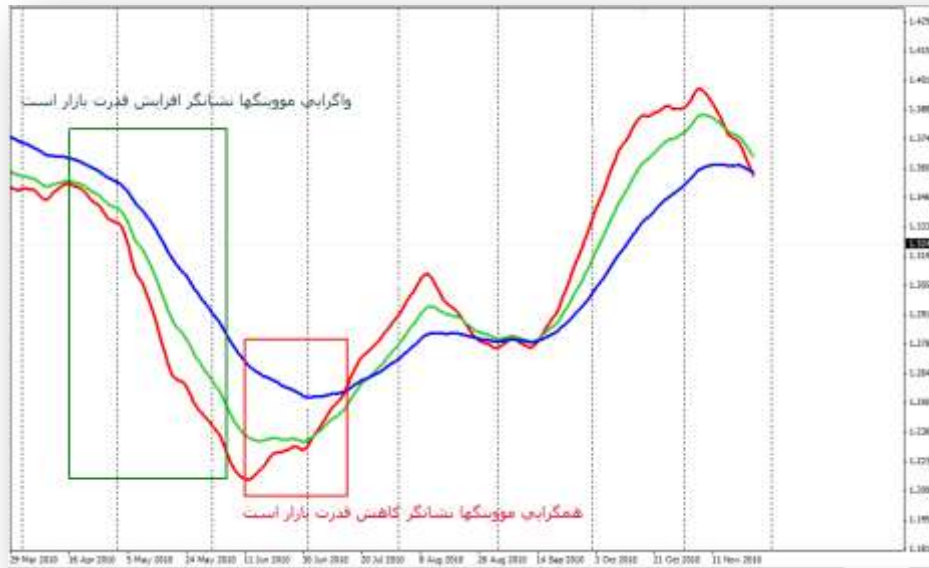


فارکس به سبک پیشوتن

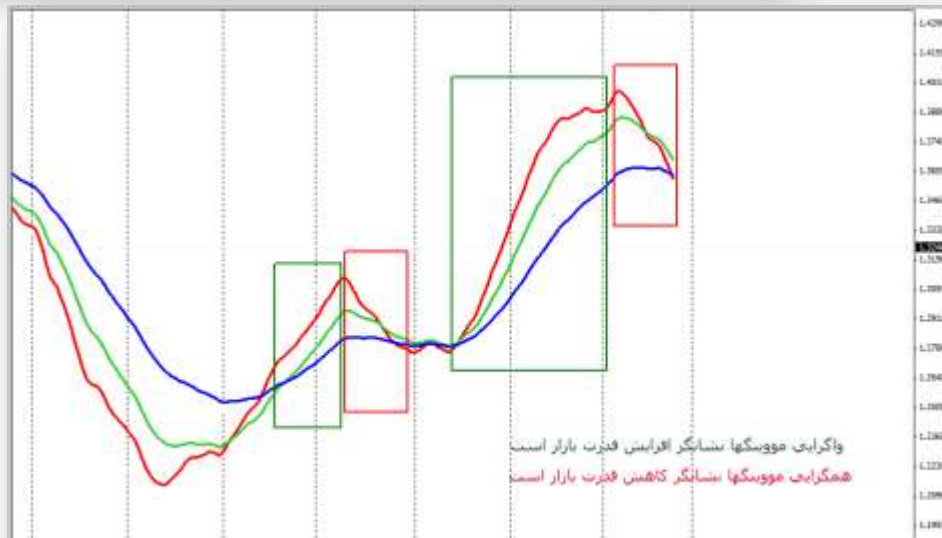
مجموعه تصاویر سری دوم :

متن : قدرت بازار و موینگها

تصویر شماره ۴ :



تصویر شماره ۵ :



فارکس
سپک به
پشتون

تصویر شماره ۶:

متن:

قرمز - ورود زودهنگام نادرست.

سبز - ورود استاندارد و به موقع.

تصویر شماره ۷:

متن:

۱- ورود زودهنگام نادرست

۲- ورود صحیح بر مبنای روند نزولی M15

۳- ورود صحیح بر مبنای شکست روند صعودی M5



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

نوشته اصلی بوسیله deathking

با سلام خدمت تمامی دوستان

می خواستم بدونم استاد کدوم روش ورود رو ترجیح می دهند، مثلا در روند نزولی M15 به تایم فریم M5 می رویم سل استاپ خود را کجا قرار بدهیم بهتر است.

در شکل زیر پایین ترین کف تشکیل شده یا زیر آخرین کف تشکیل شده؟

مثلا در این شکل که تایم فریم M5 را نشان می دهد، اگر قیمت کمی بالاتر بود سل استاپ را در زیر آخرین کف

تشکیل شده در M5 قرار بدهیم بهتر است یا در جایی که الان هست؟

با تشکر مهدی



- فارکس
- سپک
- پشوتن

✓ سلام مهدی جان.

اتفاقا اگر دقت بفرمایید **تصویر شماره ۷ شرلوک هولمز** نیز دقیقا مرتبط با سوال شما است!

یعنی هم میتوانید بر مبنای قله ها و دره های **M5** اوردر گذاری کنید، و هم بر مبنای قله ها و دره های **M15** اگرچه در این روش، اصل بر مبنای ترید کردن بر روی **قله ها و دره های M5** است.

ولی باتوجه به آنکه، قله ها و دره های **M15** بطور کلی از اعتبار بیشتری برخوردار هستند.

بنابراین در صورت نزدیکی بیش از حد سطوح مذکور به یکدیگر، مسلما اولویت با اوردر گذاری بر مبنای **M15** است!

چون بدیهی است که چنین پوزیشنهایی که بر مبنای **M15** تعریف شده باشند، احتمالا از میزان صحت و سودآوری

بیشتری برخوردار خواهند بود. البته اگر دقت فرموده باشید بنده در بسیاری مواقع که چنین سطوحی در نزدیکی

یکدیگر قرار میگیرند، حجم پوزیشن خودم را نصف میکنم، و یک بخش را در انتهای قله یا دره **M15** و دیگری را در

انتهای قله یا دره **M5** قرار میدهم، تا بقول معروف همه تخم مرغ هایم را در یک سبد نگذاشته باشم!

به هرحال اگر جناب شرلوک هولمز گرامی، آنطور که خارجی ها تعریف کرده اند، از آی کیوی مناسبی برخوردار بوده(!)

و حواسش نیز حسابی به همه جا جمع باشد! احتمالا از جوابی که به سوال شما دادم، حداقل پاسخ یکی از

«معماهای تصویری» خودش را فهمیده است !!

درواقع شرلوک هولمز در **تصویر شماره (۷)**، می توانسته هم بر مبنای **روند نزولی M15** اوردر گذاری کند

(یعنی ورود شماره ۲) و هم بر مبنای **شسکت روند صعودی M5** یعنی ورود شماره ۳!

که البته ترجیحا بهتر بوده که پوزیشن خودش را دو بخشی میکرده

و هر بخش را در پایین یکی از دو دره **M5** و **M15** قرار میداده است!

در مورد **ورود شماره (۱)** نیز باتوجه به مطالبی که درباره قوانین «**روش ورود زودهنگام**» گفته ام، چنین پوزیشنی کاملا

غلط است! زیرا روند قبلی صعودی بوده ولی روند جاری نزولی است.

در حالیکه از «**روش ورود زودهنگام**» صرفا در مواقعی می توان استفاده کرد که :

➤ **روند قبلی نه تنها همسو، که حتما STR نیز باشد!**

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

روز پنجاه و نهم.

تفاوت يك دره يا قله «كامل» ، با يك «فراكتال» :

- باخودم اينطور فكر كردم كه شايد بهتر باشد براي امروز ، از تاكيد بر تفاوت يك «دره يا قله كامل» با يك «فراكتال» شروع كنم. كه مي دانم قاعدتا اشكال بسياري از شما است! لطفا به سوالي كه آقاي «شاگرداول» پرسیده اند ، دقت بفرماييد:

استاد تو شكل زير كه مربوط به تايم ۱۵ پوند دلار هست طبق شكل بر اساس آخرين دره تايم ۱۵ اقدام به گذاشتن پوزيشن شده حالا طبق عكسهاي آقاي شرلوك هولمز ميتونيم سل دو بخشي رو يك بخشش رو اونجايي كه با علامت سوال مشخص كردم بذاريم و بخش دوم در جايي كه هست؟



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

✓ سلام شاگرد اول عزیز.

در پاسخ به شما باید عرض کنم که : خیر!

اگر میخواهید **برمبنای شکست روند کوتاه مدت M5** وارد بازار بشوید، باید حتما به تایم فریم **M5** رفته،

و سفارش خودتان را در زیر آخرین «**دره کامل**» از **M5** قرار بدهید!

در نقطه ای که شما با علامت سوال (یعنی ؟) مشخص کرده اید، اگر نقطه مورد اشاره، آخرین «دره»

از تایم فریم **M5** بود، قطعاً می شد در زیر آن پوزیشن گرفت و **برمبنای شکست روند صعودی M5** به بازار وارد شد.

ولی فعلاً در شکلی که شما گذاشته اید، آن نقطه هنوز تبدیل به **یک «دره کامل»** نشده است!

زیرا قیمت هنوز از آخرین «**قله قبل از آن**» عبور نکرده است!!

اگر حرفهایم برایتان ناواضح است به این دلیل است که احتمالاً

تفاوت **یک «فراکتال»** یا «**های و لوی ساده**» را با **یک «قله یا دره کامل»** نمی دانید!

به این نکته کنکوری (!) دقت کنید شاید متوجه منظورم بشوید!

➤ نکته- نحوه تشخیص **یک قله یا دره «کامل»** از **یک فراکتال معمولی** :

- **صرفاً دره ای یک «دره کامل» است، که قیمت از آخرین قله قبل از آن عبور کرده باشد!**

ویا برعکس :

- **صرفاً قله ای یک «قله کامل» است، که قیمت از آخرین دره ما قبل آن عبور کرده باشد!**

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

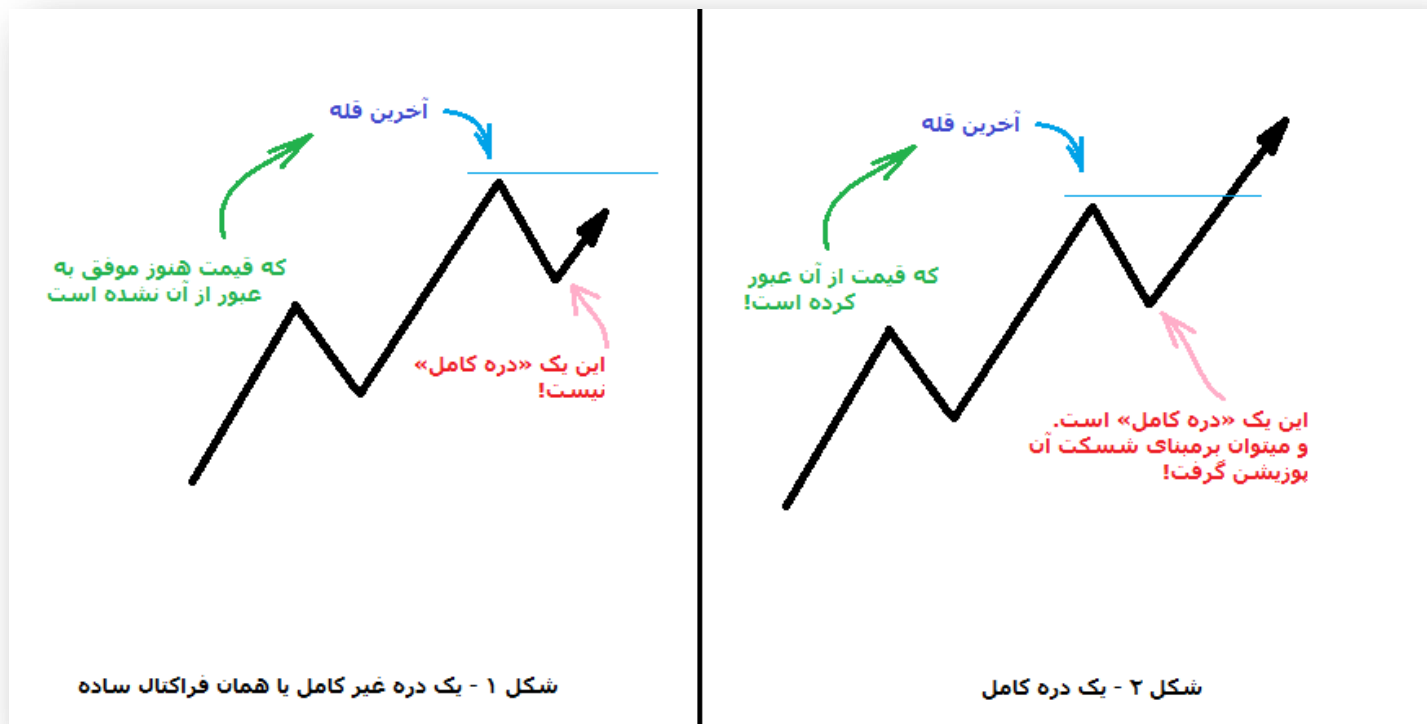
چی شده؟!

پس چرا قیافه هایتان همه این شکلی شده است؟!

ای بابا ... مگر بازهم متوجه نشدید؟!

می دانم! حتما يك «شکل» لازم دارید!

بفرمایید این هم يك «شکل» داغ داغ و تازه از تنور در آمده :



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ شکل شماره (۲) يك «دره كامل» را نشان میدهد، چراکه قیمت فرصت عبور از سقف آخرين قله ماقبل را داشته است! لذا می توانید به هنگام معامله برمبنای شکست روند صعودی، از این «دره» بعنوان نقطه ای برای ورود استفاده نمایید! درحالیکه در شکل (۱) چون هنوز قیمت نتوانسته است از سقف آخرين قله عبور نماید، بنابراین آن دره ای هم که در انتهای نمودار مشاهده میکنید، صرفاً يك فراکتال ساده است، و نه مطلقاً يك دره كامل! و نمیتوان برای اطمینان از شکسته شدن روند صعودی، به روی عبور قیمت از چنین دره ای حساب باز کرد!

➤ کاربرد قله ها و دره های «كامل» در شکست روند:

بنابراین باتوجه به همه آنچه که گفته شد،

به هنگام اوردگذاری برمبنای شکست روند کوتاه مدت M5 باید به این نکته دقت کرده باشید که حتماً سفارش خودتان را در انتهای يك قله یا دره كامل تعريف کرده باشید! نه اینکه يك «فراکتال ساده» را به اشتباه مبدا شکست روند، و ثبت سفارش خودتان در نظر بگیرید!

➤ کاربرد قله ها و دره های «كامل» در تعیین استاپ لاس:

اگر دقت کرده باشید، قله ها و دره های كامل، در يك جای مهم دیگری هم برای تان کاربرد داشته اند؟! آیا یادتان هست که کجا بود!!!
به هنگام تعیین «استاپ لاس» ویا همان «حدضرر»!

هنگامیکه میخواهید از قله یا دره ای بعنوان يك سنگر برای پناه گرفتن استفاده کنید، حتماً باید آن قله یا دره، يك قله یا دره ی «كامل» باشد!
این نکته به ویژه به هنگام تعیین استاپ لاس در تایم فریم M15 نمود پیدا می کند!

به
سبک

فارکس

پشتون

- بعنوان مثال به شکل زیر - که از تصاویر شرلوک هولمز است - دقت کنید:
تصویر شماره (۳) شرلوک هولمز:



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ شرلوک هولمز در این شکل نمی توانسته در بالای آخرین قله ای که در نمودار مشاهده میکنید ، سنگر بگیرد!
زیرا آن نقطه هنوز تشکیل يك «قله کامل» را نداده است!

درواقع باتوجه به آنکه قیمت هنوز از کف ۸۳.۴۰ عبور نکرده است،
لذا آن قله ای هم که در حوالی ۸۳.۶۰ مشاهده میکنید، صرفا يك فراکتال ساده است،
و مطلقا نمی تواند نقش يك قله کامل M15 را برای استفاده بعنوان «حدضرر» ایفا کند!

پس شرلوک هولمز بی نوا ، مستاصل از همه جا! ، مجبور شده است تا برای خودش،
طبق قاعده «حداکثر استاپ لاس معقول» از مووینگ آبی M15 بعنوان حدضرری منطقی و دردسترس استفاده نماید!

با همان استدلال معروفی که
«اگر قیمت از مووینگ آبی M15 بالاتر برود، آنگاه سفارش مذکور خودبخود حذف میگردد!»

دوستان عزیز و مشاورین گرانقدر جناب شرلوک هولمز!!
همانطور که ملاحظه میکنید، کلیه تصاویر شرلوک هولمز ، اندکی پیچیده تر از آنی بوده اند که شما فکر میکردید اید!

فارکس
به
سبک

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

درباب ورود زودهنگام:

متاسفانه مقوله بسیار مهم «روش ورود زودهنگام» در هیاهوی تعطیلات کریسمس گم شد! و فرصت نشد تا به اندازه کافی به اهمیت آن پرداخته گردد! انتظار میرود که پس از بازگشایی مجدد بازار، شاگرداولها در تایپیک تریدینگ روم، به اندازه کافی بر روی این روش تمرکز نمایند، تا موضوع کاملا برای سایرین نیز جا بیافتد!

درواقع «روش ورود زودهنگام» اساسا طراحی شده است،

➤ تا از پتانسیل قدرتمند بازار به هنگام خروج از شرایط رنج که یکی از بهترین موقعیتهای برای سودآوری است - استفاده کافی گردد!

لطفا به پرسش زیر توجه بفرمایید:

جناب مشهوری نژاد با سلام :

ممنون از توجهی که میفرمائید .

مسلم است که تجربه و تمرین کارگشای بسیاری از مشکلات ما است

بنده قصد سخت گیری نداشتم بیشتر بدنبال مرتب کردن و دسته بندی موقعیتهای بودم

حتما جنابعالی بهتر میدانید که :

۱- زمانیکه روند تغییر میکند زمان بیشتری نیاز است تا موینگها شرایط ایده ال ترید را فراهم کنند.

۲- و بطور مثال هنگامیکه بازار در شرایط رنج قرار دارد و سپس موینگها در یک جهت و هر ۲ باهم کراس میکنند

و با شیب مناسب حرکت میکنند سریعتر به موقعیت ترید میرسند.(وشاید بهترین حالت)

با این توضیحات به ذهنم رسید شاید بتوان با شرایطی زودتر وارد معامله شد .

با سپاس

✓ سلام مهنا جان.

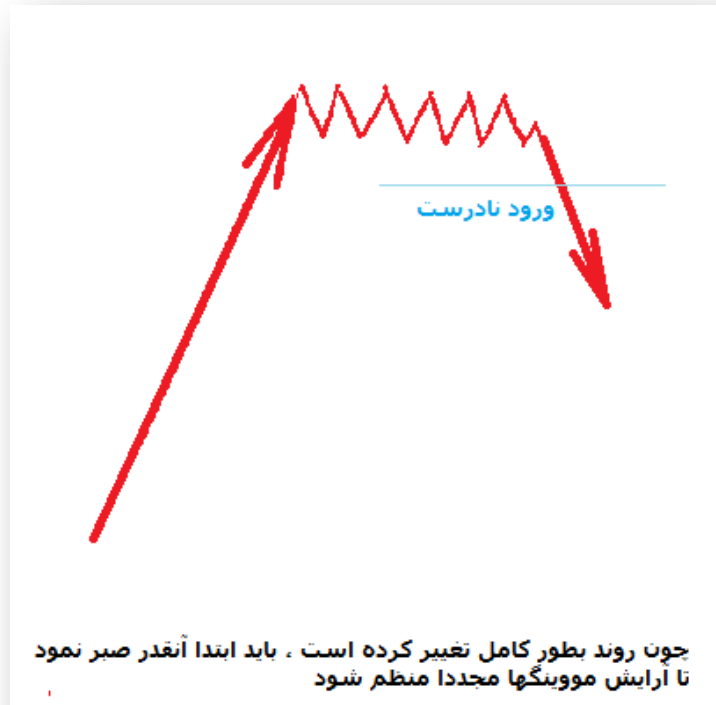
لطفا اشتباه نشود!

مواردی را که بنده در نامه شما ، با شماره های يك و دو و با رنگهای قرمز و آبی برجسته کرده ام، اساسا دو مقوله کاملا متفاوت هستند!

که هر يك روش و سبک معاملاتی خاص و منحصر بفردی را می طلبند!

در حالت شماره (۱) که بقول شما بازار در حال **تغییر روند** است،

و بعنوان مثال روند دارد از حالت صعودی به نزولی تغییر فاز میدهد (مانند شکل زیر) ، **مطلقا نباید عجله کرد!** و باید تا **مناسب شدن آرایش مجدد موینگها** ، صرفا صبر و نظاره نمود!



شاید تنها روش برای ورود زودتر از موعد، به چنین موقعیت هایی که پس از تغییر يك روند قدرتمند ایجاد میشوند ، صرفا همان «ورود پلکانی» باشد ، که بعنوان مثال ابتدا صرفا با يك پوزیشن تك بخشی و با حجم کمتر وارد بازار شوید ، و سپس اگر بازار به خوبی و منطبق بر جهت دلخواه شما پیش رفت ، با تریلینگ کردن استاپهای قبلی خودتان ، پوزیشنهای جدید تری را اضافه نمایید.

- اما در **حالت دوم** ، یعنی هنگامیکه بازار برای مدتی نسبتاً طولانی در حالت رنج و بدون جهت قرار دارد ، و بقول ویلیامز کبیر مانند تمساحی بوده که پس از خوابی طولانی ، تازه میخواهد بیدار شود و از گشنگی دهان خودش را باز کرده و به جان بازار بیافتد!! این حالت یکی از بهترین و سودآورترین شرایط برای ورود به موقع به بازار خواهد بود! که ما نیز این کار را با استفاده از «روش ورود زود هنگام» انجام میدهیم.



یعنی در نقطه A در حالیکه هنوز مووینگها ، فاصله و شیب ایده آل خودشان را پیدا نکرده اند، و قیمت نیز هنوز از وضعیت NTZ بطور کامل خارج نشده است، ولی ما پیش دستی میکنیم! و با ثبت سفارش خودمان در انتهای بلندترین قله یا دره ، به انتظار بیدار شدن بازار و خروج آن از ناحیه رنج می نشینیم!

به سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

- و با تبحر و تجربه ای که از قبل با تمرین و ممارست فراوان بدست آورده ایم ، می دانیم که دقیقا سفارش خودمان را در کدام نقطه باید بگذاریم ، که در صورت رسیدن نمودار به آن نقطه ، مووینگها نیز تا آن زمان ، قطعا آرایش مناسب و موردنظر ما را پیدا خواهند کرد!

فقط مجددا تاکید می کنم که همانطور که قبلا گفته ام در «روش ورود زودهنگام» باید: اولا روند قبلی ، کاملا همسو و همجهت با پوزیشن شما باشد.

و ثانیا در تایم فریم يك درجه بالاتر نیز ، مانند M30 و H1، روندجاری نه تنها همسو ، که حتما STR نیز باشد!

پس فلسفه «روش ورود زودهنگام» دقیقا همین بوده است ،

که از چنین حرکت‌های قدرتمندی که بلافاصله پس از خروج بازار از شرایط رنج ایجاد میشوند، نهایت استفاده را برده و بی جهت در انتظار برای مهیا شدن آرایش نهایی مووینگها ، باقی نمانیم! و بی دلیل بخش بزرگی از چنین حرکات پرقدرت و سودآوری را از دست ندهیم!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ بهرحال همه اینها را گفتم که تاکید کنم:

- اگر چنین ذهنیتی دارید که يك «تریدر حرفه ای» کسی است که در تمامی لحظات بازار، الزاما دارای پوزیشن باز باشد!
- ويا يك «روش ترید خوب» روشی است که نگذارد حتی کوچکترین حرکتی از زیر دست شما در برود!
بدانید و آگاه باشید که سخت در اشتباه هستید!

و اصلا و ابدا چنین قراری نیست که شما تمامی حرکات ریز و درشت مارکت را بزور شکار نمایید!

بلکه شما صرفا قرار است که در طول روز، دقیقا مانند کسی که برای خرید به فروشگاه بسیار بزرگی رفته است، از بین تمامی حرکتهایی که بر روی زوج ارزهای مختلف ایجاد میشوند، صرفا تعداد بسیار انگشت شماری را، که کاملا مطمئن و منطبق بر روش و سیستم معاملاتی شما باشند، از میان آنها گلچین نموده، و از هرکدام نیز صرفا به اندازه مثلا ۲۰ الی ۵۰ پیپ را، برای خودتان برداشت نمایید!

اگر برای این دیدگاه غلط اصرار بورزید که :

- «من باید تمامی حرکات بزرگی را که در بازار ایجاد میشوند، حتما بگیرم!!»

در آنصورت دچار چنان وسواسی می شوید!

که باید بیست و چهارساعته به چارت بچسبید

تا مبدا اگر سرتان را برگردانید ناگهان یکی از زوج ارزها، چند صد پیپ را به سرعت پرش کند!
و شما، مایوس و سرخورده، از آن جا بمانید!

در آنصورت است که مجبور می شوید تا مسافرت رفتن و مهمانی رفتن و رستوران رفتن و سینما رفتن و ورزش کردن و با خانواده بودن و حتی خوابیدن و استراحت کردن را
... همه و همه را کاملا تعطیل نموده ،



و صرفا تمام زندگی خودتان را به همین امر اختصاص دهید!
که دو دستی بچسبید پای چارت!
و پاهای خودتان را هم با زنجیر به لپ تاب وصل کنید!!
تا مبادا زوج ارزی بپرد و شما از آن جا بمانید!!

یادتان باشد که همه هدف و وظیفه اصلی ما این است که
در طول روز صرفا دو الی سه موقعیت حتی کاملا کوچک
را پیدا کنیم، که مثلا بتوانند صرفا ۲۰ الی ۳۰ پیپ را نصیب ما نمایند !!

خودتان بروید و بر روی کاغذ محاسبه کنید که حتی چنین سودهای بسیار اندکی ،
اگر برایتان در طول هفته و ماه و سال حساب کنید، به چه مبالغ نجومی دست خواهید یافت !؟

پس وسوسه شکار تمامی حرکت‌های غول آسای چند صدپیپی را از ذهن خودتان خارج کنید!
ویادتان باشد که ارزش سه پوزیشن صرفا ۳۰ پیپی ،
که هر روزه میتوانید مثل آب خوردن مشابه آنها را پیدا کنید،
دقیقا معادل يك تارگت ۱۰۰ پیپی خواهد بود!

که حتی شاید هر دو سه هفته یکبار نیز نتوان به سادگی آن را شکار کرد!!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



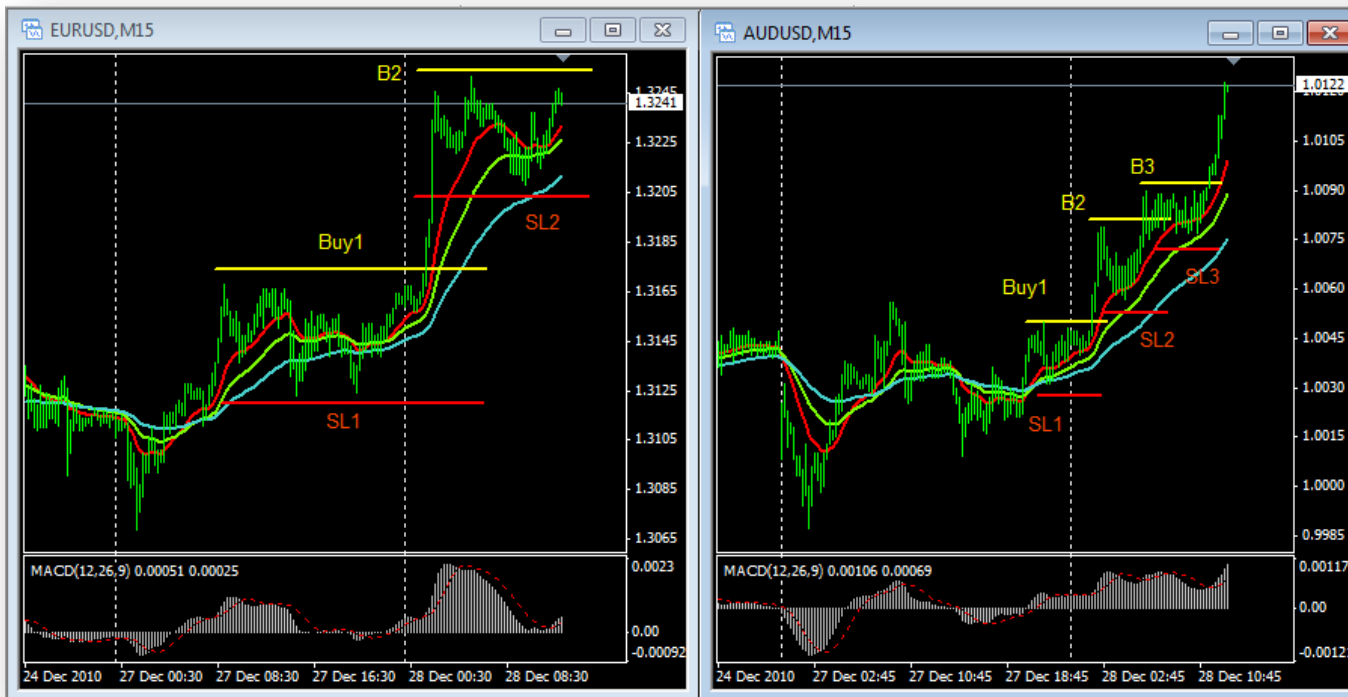
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

- در شکل زیر ، که متعلق به وضعیت امروز ارزهای «یوروی اروپا» و «دلار استرالیا» می باشد، و تایم فریم ۱۵ دقیقه هر يك از آنها را نشان میدهد، کدام استاپ ها به اشتباه تعیین گشته اند؟!



راهنمایی :

اولا - تعداد استاپ های اشتباه صرفا ۲ عدد است !

دوما - دلیل اشتباه بودن آنها ، بر مبنای بحث اخیری است که درباره «قله ها و دره های کامل» داشته ایم!



○ بسیار خوب،

اجازه دهید تا از همین ابتدا این را هم بگویم که چون سطح این معما اندکی پیچیده تر از آی کیوی جناب شرلوک هولمز بود(!) و نمیخواهم ایشان و مشاورین فارکسی شان(!) بتوانند سر از کار ما ایرانی ها در بیاورند! لذا فعلا بجای آنکه پاسخ معما را بصورت کاملا تشریحی و مفصل بنویسم ، صرفا به آن اشاراتی کوتاه میکنم ، تا همچنان خودتان فرصت داشته باشید تا اندکی بیشتر بر روی آن وقت بگذارید ، و بویژه در مورد نکته کاربردی و بسیار مهمی که از آن استخراج خواهد شد ، بیشتر فکر کنید ! ضمنا اینجوری این حسن را هم داره که فقط اونهایی ارزش سر در میارن ، که از لحاظ تخصصی ، و تمرین و تجربه لازم بر روی اصول اولیه PTM به اون حدی رسیده باشند ، که پذیرش یادگیری و درک این نکته جدید و نسبتا پیچیده را هم داشته باشند! و البته از شوخی گذشته ، بازهم تاکید میکنم که سایرین و بویژه نوآموزان ، میتوانند به سادگی و با آسودگی خیال، کل این متن را فعلا کنار بگذارند، و انشالله در آینده و هنگامیکه که به اندازه کافی بر روی مقدمات کار مسلط شدند، مجددا به یادگیری این نکات پیشرفته تر اقدام نمایند.

باور بفرمایید که بدون دانستن کل مطالب بخش دوم تاپیک نیز ، میتوانید به سادگی معاملات سودآوری داشته باشید و از ترید کردن در بازار فارکس ، لذت ببرید!

پس برای بار هزارم تاکید میکنم که اگر می بینید که نکته ای ، به نظرتان مبهم و پیچیده میرسد، با خیال راحت آن را کنار بگذارید و با وجدان آسوده به سراغ مطالب بعدی تاپیک بروید...

مطمئنا به موقعش شما نیز مجددا به سراغ یادگیری این نکات پیشرفته تر خواهید آمد و در آن زمان که موقعش رسیده باشد، و به اندازه کافی تمرین نموده و تجربه کسب کرده باشید، همه این نکات به نظرتان بسیار بدیهی و آسان خواهد رسید. فقط خودتان را بی دلیل آزار ندهید!

به
سبک

فارکس

پشوتن



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :

➤ **نکته اول - تعریف استاپ «مطمئن» یا «معتبر» :**

استاپ «مطمئن» یا «معتبر» ، به استاپی گفته میشود که در نقطه ای قرار داشته باشد ، که قیمت بیهوده آن را نزند!!
یعنی «قیمت» صرفاً در صورت تغییر روند اصلی بازار، با آن برخورد نماید.
يك استاپ مناسب نباید توسط حرکات فرعی و بی دلیل قیمت ، بیهوده زده شود،
و بعد مجدداً قیمت در جهت دلخواه پوزیشن پیش برود.
بعبارت بهتر «استاپ مطمئن» باید دقیقاً در نقطه ای قرار داشته باشد که «تحلیل» شما
که معامله خودتان را بر مبنای آن تحلیل انجام داده اید - نقض گردد.
یعنی باتوجه به آنکه هر «تحلیلی» يك نقطه نقض شدن دارد،
پس هر معامله ای نیز يك «استاپ مطمئن» خواهد داشت!

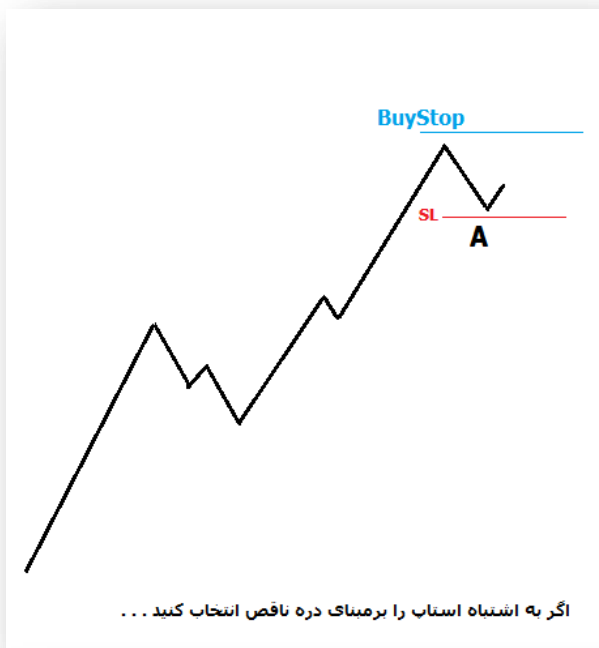
➤ **نکته دوم - تعیین استاپ «مطمئن» بر مبنای قله ها و دره های «کامل» :**

بنابراین برای تعیین يك استاپ «مطمئن»، حتماً باید آن را صرفاً بر مبنای قله ها و دره های «کامل» تعیین بکنید!
چون اگر مثلاً در يك روند صعودی، استاپ خودتان را در يك دره «ناقص» قرار بدهید، ممکن است قیمت بایک حرکت
بی دلیل، به استاپ شما برخورد کند، و سپس مجدداً مسیر خودش را به سمت بالا ادامه بدهد!

➤ **نکته سوم- چرا دره ناقص نه؟**

باتوجه به اینکه کلیه پوزیشنهای ما بصورت پندینگ گرفته میشوند، و قبل از فعال شدن پوزیشن هنوز از آینده چارت
خبر نداریم، بنابراین قبل از فعال شدن آنها، نمیتوانیم از آخرین دره «ناقص» بعنوان حد ضرر استفاده کنیم!
چون ممکن است که شما (مثلاً در يك روند صعودی) حد ضرر خودتان را مثلاً بر روی
دره ناقص A قرار بدهید، بعد قیمت قبل از آنکه پوزیشن شما را فعال کند،
بباید دره B را در نقطه ای پایین تر از A بسازد و سپس پوزیشن شما را فعال کند.

در این صورت دره B تبدیل به دره «کامل» خواهد شد و تا زمانیکه این دره شکسته نشود، روند بازار باید صعودی فرض بشود.



لذا حد ضرر شما نهایتاً در نقطه ای قرار میگیرد که بالاتر از آخری دره کامل بوده، و در واقع در محل بی ربطی قرار گرفته است که بازار میتواند به سادگی استاپ شما را بزند و مجدداً روند صعودی خوش را ادامه بدهد!



فارکس به سبک پیشوتن

➤ نکته چهارم - پس جواب معما . . . !؟

بنابراین باتوجه به کلیه مطالبی که تا الان گفته شد، و باتوجه به آنکه در شکل فوق، قبل از فعال شدن پوزیشنهای بای استاپ،

کسی از آینده چارت خبر نداشته است، لذا جواب معما این خواهد بود که: «**کلیه استاپ ها غلط هستند!!!**» زیرا تمامی آنها بجای دره کامل، بر روی دره ناقص قرار داده شده اند!! البته بازهم تاکید میکنم که داریم درباره لحظه ای صحبت میکنیم که هنوز پوزیشن فعال نشده است، و از آینده چارت خبر نداریم!

بنابراین تمامی استاپها غلط هستند و درواقع هرکدام باید دقیقا به اندازه يك «دره» به عقب تر برده بشوند! اما پس چرا گفته بودم که صرفا دوتا از استاپ ها غلط هستند!!! خودتان اندکی روی آن فکر کنید، تا جوابش را امشب برایتان بگویم! درواقع اگر کسی تا اینجا را متوجه شده باشد که جریان از چه قرار است، احتمالا میتواند «**نکته پنجم**» را (که هنوز آن را نگفته ام و مهمترین نتیجه این معما است!) خودش به شخصه استنباط نماید!

فقط يك راهنمایی میکنم که نکته پنجم باتوجه به **مووینگ آبی M15** ساخته میشود! و اگر بتوانید آن بحثی که قبلا درباره اهمیت **مووینگ آبی M15** داشتیم را با بحث جدید «**دره ها و قله های کامل**» ترکیب نمایید،

در آنصورت متوجه خواهید شد که چرا از بین تمام استاپهای شکل مذکور، صرفا دوتا از آنها غلط هستند!

و باقی دره ها را علی رغم آنکه هنوز «**کامل**» نشده اند،

اما می توانیم آنها را استثنائا بعنوان «**استاپ مطمئن**» درنظر بگیریم

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ واگر بتوانید این «نکته پنجم» را خودتان پیدا کنید،
در آن صورت میتوانید از این به بعد در معاملاتتان از این نکته استفاده نمایید!
و لذا کیفیت و اعتبار استاپهایتان از اینی که هست
قطعا بسیار مطمئن تر و معتبر تر میگردد!!
شاید قبلا مشاهده فرموده باشید که بعنوان مثال بنده و برخی از دوستانتان ،
هر دو دقیقا يك پوزیشن یکسان را با هم گرفته ایم
ولی بفرض پوزیشن ایشان با استاپ مواجه میشود،
درحالیکه «قیمت» به حدضرر اینجانب نمی رسد
و نتیجتا پوزیشن بنده با سود بسته میشود، شاید هم تاکنون به چنین مواردی برخورد کرده باشید،
و آن را به حساب تقلب من (!!) و سواستفاده از عنوان صاحب تایپکی ام گذاشته باشید!!
ولی دقیقا یکی از دلایل چنین رویدادهایی ،
دقت به همین نکته های ظریفی است که بعنوان مثال یکی از آنها را همین چند روز برایتان گفتم ، یعنی

«روش تعیین استاپ مطمئن» بر مبنای قله ها و دره های «کامل» !!

و البته «نکته پنجم» که انشالله امشب خدمتتان عرض خواهم کرد و این پازل را کامل خواهد ساخت!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

مثالی دیگر از مقوله «مکدی و سقف و کف» :

اتومبیلی بدون بنزین یارانه ای !

○ در تصویر زیر ، وضعیت فعلی چند زوج ارز را مشاهده میکنید:



همانطور که ملاحظه فرمودید، در تمام نمودارهای فوق، در حالیکه «قیمت» در حال شکستن کف دیروز خودش است، ولی «مکدی» هنوز به نصف اندازه کف دیروز خودش هم نرسیده است!

در تمام شکل های فوق «کف قیمت» را با خطی قرمز رنگ ،
و «کف مکدی» را با رنگ زرد نمایش داده ام.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ اگر خاطرتان باشد قبلا تذکر داده بودم که اگرچه اسم وضعیت فوق مطلقا «واگرایی» نیست، ولی بازهم می تواند نشانه ای بر کاهش قدرت جاری در مارکت ، و هشدار برای عدم ورود به بازار باشد! بعنوان مثال برای درك بهتر موضوع ، می توانید باخودتان چنین فرض کنید که «قیمت» مانند يك اتومبیل است! و «مکدی» مقدار بنزین درون باك این اتومبیل را نشان میدهد!! و درست است که دیروز حرکت بزرگی در مارکت ایجاد شده ، و «قیمت» مسیری طولانی را از بالا تا پایین چارت، يك نفس طی کرده است، ولی شرایط امروز با دیروز کاملا متفاوت شده است ! زیرا دیروز «قیمت» درحالی آن مسیر طولانی را طی نموده است ، که باك ماشینش کاملا پر بوده ! ولی درحالیکه امروز و باتوجه به شرایط فعلی مکدی ، مقدار بنزین درون باك ، حتی به نصف اندازه دیروز آن هم نرسیده است! پس مسلما نمی توانیم امیدوار باشید که امروز نیز «قیمت» بتواند حرکتی را با همان مقدار بزرگی و وسعت دیروز ، انجام بدهد!

خلاصه آنکه حواستان را جمع کنید و مواظب باشید !
 که خدایی نکرده «طمع» باعث بسته شدن چشمان شما بر روی حرکات مکدی ، و گرفتار شدنتان در دام پوزیشنهایی ، که نه در آنها راه پیش داشته باشید و نه راه پس ، نگردد!

درواقع «مکدی» و «طمع!» دو عاملی هستند که همواره با یکدیگر درحال تنش و کشمکش بوده !
 تا نهایتا یکی از آن دو ، بر دیگری غلبه کرده و موجب ورود یا عدم ورود شما به معامله مذکور گردند!!!

به
سبک

فارکس

پشتون

○ سلام!

اگر خاطر مبارکتون باشه ، ماجرای معما به اینجا رسید که نتیجه گرفتیم که از بین پنج استاپی که در شکل زیر نمایش داده شده اند، صرفا دو تای آنها غلط انتخاب شده اند

نه ببخشید: گفتیم که هر پنج تاشون غلط بودند!!!

دلیل غلط بودنشان هم این بود که هیچکدام از این دره ها ، در لحظه ثبت و سفارش پوزیشن، هنوز تبدیل به يك دره «کامل» نشده بودند،

و لذا نمی توانستیم پیش از فعال شدن پوزیشن، از صحت انتخاب حدضرر خودمان در چنان نقطه ای ، مطمئن باشیم. درواقع مهمترین نکته که باید از پاسخ این معما ، آویزه گوشتان نمایید! این است که :

مبادا به هنگام ثبت سفارشات خود، و قبل از فعال شدن پوزیشنهایتان ، عجله کرده

و حدضرر خود را در پشت قله یا دره ای قرار دهید، که هنوز بطور کامل تشکیل نشده است!

یعنی اگر با دره یا قله ای مواجه هستید، که «قیمت» هنوز از انتهای مقابل آن عبور نکرده است، پس هنوز آن نقطه تبدیل به يك قله یا دره «کامل» نشده است ،

و لذا نباید آن را بعنوان نقطه ای ایمن و مطمئن برای استاپ لاس خودتان ، در نظر بگیرید!

اگر یادتان باشد چند نکته را هم با یکدیگر نتیجه گیری کردیم ،

که در زیر مرور سریع و مختصری بر آنها میکنم:!!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

۱- **استاپ مطمئن**، نقطه ای است که با رسیدن قیمت به آن نقطه، روند کلی بازار بطور کامل تغییر جهت داده، و بنابراین کل تحلیل ما تبدیل به یک تحلیل نادرست میگردد، و لذا باید به سرعت از معامله مذکور خارج گردیم.

۲- قله ها و دره های «**کامل**» آخرین نقاطی هستند که در صورت شکست آنها توسط قیمت، می توانیم از تغییر روند کلی بازار، مطمئن گردیم.

۳- بنابراین یک استاپ لاس «**مطمئن**» حد ضرری است که صرفا در پشت قله ها و دره های «**کامل**» قرار داده شده باشد! و هنگام ثبت و سفارش پوزیشنهای خودتان (که قاعدتا از نوع پندینگ هستند) نباید عجله کنید و حد ضرر خودتان را در پشت قله یا دره ای بگذارید که هنوز بطور کامل تشکیل نشده است.

۴- در بعضی مواقع ممکن است که بجای ورود بر مبنای قله ها و دره های M15 بخواهید بر مبنای شکست روند در تایم فریم M5 وارد بازار بشوید، در چنین مواردی باید صرفا از قله ها و دره های «**کامل**» در M5 بعنوان نقطه ورود مناسب، استفاده نمایید!

۵- بنابراین قله ها و دره های «**کامل**» در واقع صرفا در دو جا برای شما کاربرد دارند:

کاربرد اول - تعیین حد ضرر بر مبنای انتخاب نقطه استاپ «**مطمئن**»

کاربرد دوم- ورود به بازار بر مبنای شکست روند کوتاه مدت M5

۶-...نکته ششم چی بود؟!!

اصلا چرا رسیدیم به نکته ششم؟!!

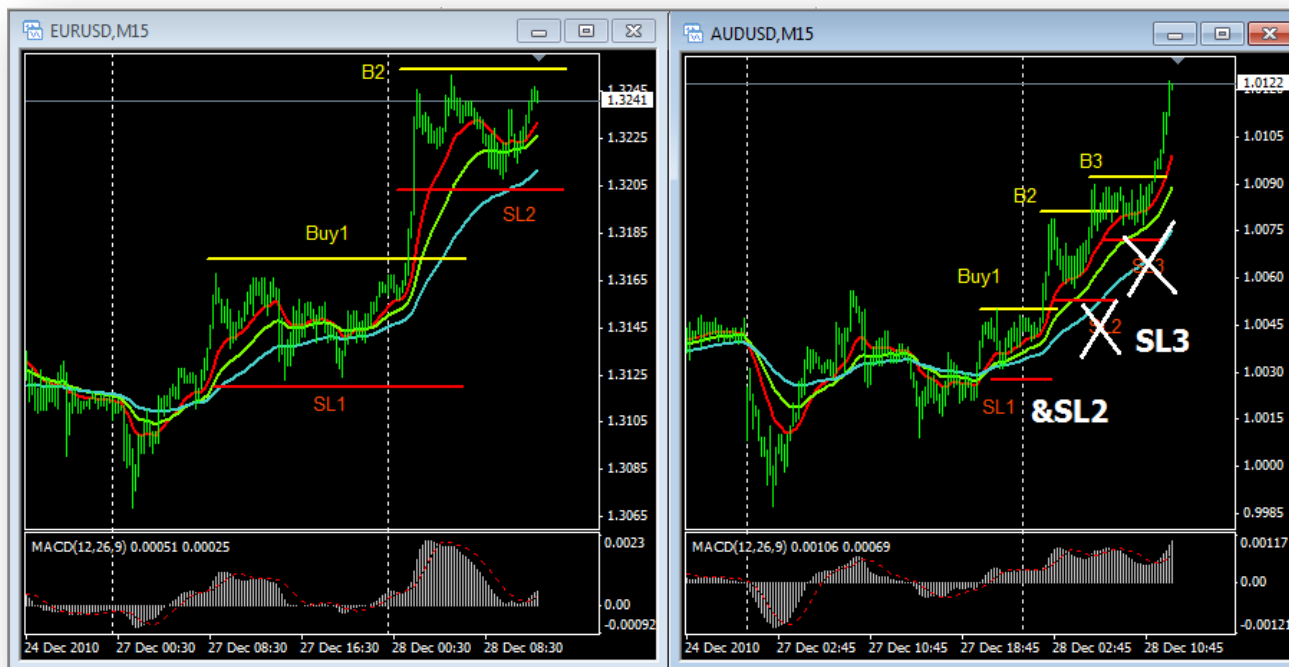
مگر قرار نبود من الان نکته پنجم را به شما بگویم

○ مثل اینکه حق با جناب آذرباد است که همیشه به من میگویند:

«استاد پشتون! تو هر وقت شروع به حرف زدن میکنی و بقول معروف فکت گرم میشود!! يك سری حرفهای جدیدی را میزنی که قبلا اصلا یادت رفته بوده است که بزنی!!!»

خب، پس با این سوتی که روی نکته پنجم دادیم، نزد شما که کمی تا قسمتی ضایع شدیم!!
پس برای آنکه یکجوری قضیه را ماست مالی کنیم که لااقل آبرویمان نزد آیندگان حفظ شود،
پس از خدمت ناظر محترم شماره ۱ خواهش میکنیم که برود و بگردد!

و تمام «نکته های شماره پنج» را در صفحات قبلی، پیدا نموده، و همگی آنها را تبدیل به «نکته شماره شش» نماید!!
حالا که اینطور شد، پس اجازه دهید تا قبل از آنکه نکته آخر را خودم بگویم،
پاسخ صحیح معما را خدمتتان ارایه کنم، تا هم هیجان مسابقه بالاتر برود!! وهم شاید بتوانید نکته ششم را
(اصلا نه پنجم نه ششم! بلکه نکته آخر!!) خودتان حدس بزنید!



به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

○ همانطور که در شکل فوق مشاهده میکنید، صرفاً دو حد ضرر، یعنی SL2 و SL3 از دلاراسترالیا اشتباه انتخاب شده اند! چرا؟! به این دلیل:

➤ نکته آخر - استفاده از قله ها و دره های «ناقص» بعنوان حد ضرر معقول (با فرض روند صعودی) در صورتیکه یک دره «ناقص» در پایین مووینگ آبی M15 قرار داشته باشد، می توانید استثنائاً از چنین دره ای نیز، علی رغم ناقص بودن آن، بعنوان حد ضرری معقول و منطقی استفاده نمایید!

دلیل و برهان پشت آن نیز بسیار ساده و منطقی است! چرا که در صورتیکه قرار باشد قیمت قبل از فعال کردن پوزیشن شما، ابتدا آنقدر پایین بیاید تا از دره مذکور نیز پایین تر برود، در آن صورت چون بطور طبیعی در مسیر خود، از مووینگ آبی M15 نیز عبور نموده است، پس پوزیشن شما بطور خودکار و اتوماتیک، کنسل میگردد!

بنابراین اگر این نکته مهم را نیز به مجموع دانسته های قبلی خود اضافه نمایید، در آن صورت کلیه دره ها در تصویر فوق، علی رغم آنکه همگی قبل از فعال شدن پوزیشن، کاملاً «ناقص» بوده اند، ولی می توانستند استثنائاً بعنوان حد ضرری معقول بکار بروند! البته به غیر از آن دوتا دره آخری بر روی دلاراسترالیا، که چون به وضوح در بالای مووینگ آبی M15 واقع بوده اند، اجازه انتخاب آنها را بعنوان حد ضرر، به هیچ عنوان نداشته ایم!

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

سوالی برام پیش اومده در مورد تحلیل هفتگی من در دوره مقدماتی آموزشهای استاد پشوتن بزرگ هستم و الان رسیدم به صفحه ۲۵ و پست آموزشی تحلیل هفتگی در این پست و آموزش در بعضی از واژه ها و جملات بسیار گیج شدم لطفا من رو راهنمایی کنید حدود ۱۰ بار پست رو خوندم ولی نفهمیدم دوستان اگر امکانش هست راهنمایی کنید تحلیل هفتگی به چه صورت هست. ممنون

✓ سلام دوست عزیز

اگر روش **PTM** با چنین قدرتی در میان تمامی روشها و استراتژیهای مختلف ، برای خودش جلوه گری میکند! به این دلیل است که در پشت آن ، دو فلسفه مستحکم و قدرتمند نهفته است :

فلسفه اول PTM

این است که «بازار مطلقا غیرقابل پیش بینی است!»

و هیچکس در دنیا از يك ثانیه بعد قیمت ها خبر ندارد!

بازار را همچون گله ای گاو میش رم کرده تصور میکنیم ، که هر لحظه به هرسو که بخواهند می روند! و تنها چیزی که برایشان ذره ای اهمیت ندارد، تحلیلها و نظریات شخصی و کارشناسی ما است!!

پس بجای اصرار بر پیش بینی کردن حرکات آتی مارکت،

و درواقع به جای تحمیل خواستها و دیدگاه های جزمی خودمان به بازار ،

باید ابتدا ذهنمان را از هرگونه پیش داوری و قضاوت بشوییم،

و سپس سعی کنیم که صرفا جهت حرکت فعلی بازار را تشخیص داده و با آن همگام شویم.

این است که «سخت میگیرد فارکس بر مردمان سخت گیر!»

پس ترید کردن را بیهوده برای خودمان پیچیده و دشوار نسازیم ،

و باور کنیم برای آغاز سودآوری در فارکس، صرفا همان ده صفحه بخش اول تاپیک مقدماتی ،

کاملا جامع و کافی می باشد.

اکثر این دوستانی که در این تاپیک می بینی ، و از روز اول با من بوده اند

و خودشان را با لقب «مهاجرین» از سایرین تفکیک میکنند،

اگر از آنها پرسى به صراحت برای تو اعتراف خواهند کرد که زمانیکه در بخش مقدماتی این تاپیک به سر می بردیم،

بسیار راحت تر از این روزها ترید میکردند! و حتی میزان سودآوری معاملاتشان نیز گاهها بیشتر از الان بود!

بنابراین «فارکس را مطلقا سخت نمیگیرم!»

و هر نکته ای را که با آن مواجه شدیم و به نظرم صرفا اندکی پیچیده و دشوار آمد،

به سادگی و با خیال راحت آن را کنار میگذاریم و بخوبی میدانیم که بعدها و در مراحل بعدی آموزشی مان ،

به کرات بانکته مذکور مواجه خواهیم شد - و اگر واقعا لازم باشد -

به موقعش متوجه مفهوم آن نکته ظاهرا پیچیده نیز خواهیم شد.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



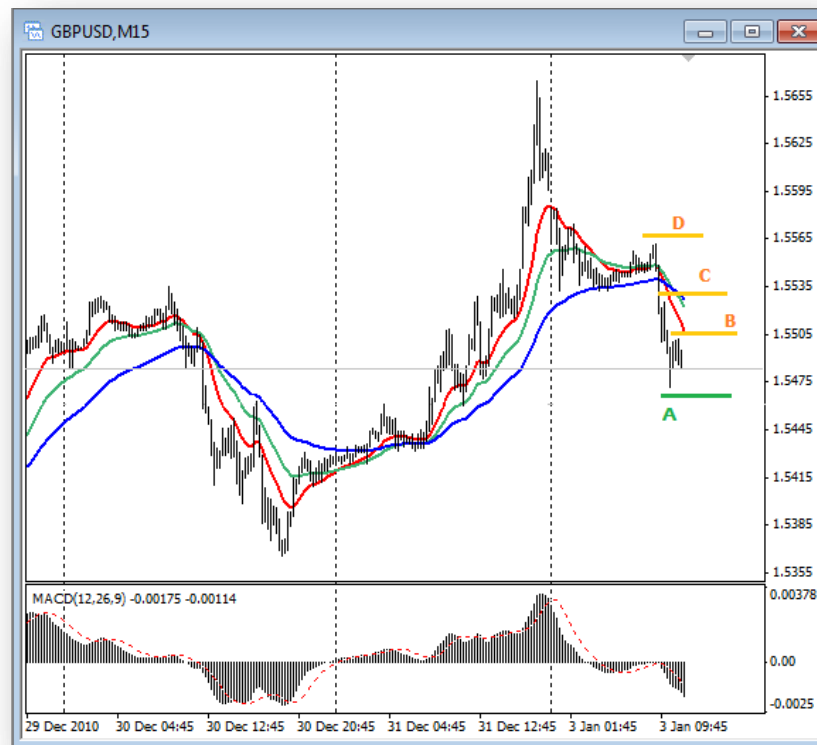
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

○ شکل - تایم فریم M15 پوند به دلار :



سوال اول - آیا ثبت يك پوزیشن SellStop در زیر نقطه A میتواند طبق آموزه های «روش ورود زود هنگام» صحیح باشد؟ (ضمناً واضح است که فعلاً شیب آبی و فاصله سایر مووینگها مناسب نیستند)

سوال دوم - از بین نقاط B و C و D کدامیک «قله کامل» هستند و میتوانند بعنوان «استاپ مطمئن» انتخاب گردند؟

سوال سوم - پاسخ سوال قبل را برای حالتی که پوزیشن مذکور فعال شده باشد، مجدداً بیان بفرمایید.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :

سوال اول - آیا ثبت يك پوزیشن SellStop در زیر نقطه A میتواند طبق آموزه های «روش ورود زودهنگام» صحیح باشد؟ (ضمنا واضح است که فعلا شیب آبی و فاصله سایر مووینگها مناسب نیستند)

✓ به نظر من ثبت سل استاپ اشتباه هست چون برعکس روند قبل بوده و باید منتظر دره جدید باشیم. ضمنا ورود زودهنگام را صرفا درشرایطی میتوان انجام داد که دو شرط زیر بصورت همزمان صادق باشند: اولاً- روند قبلی همجهت با پوزیشن و STR باشد.

دوما- روند در تایم فریمهای بالاتر همچون M30 و H1 نیز همجهت و STR باشند.

سوال دوم - از بین نقاط B و C و D کداميك «قله کامل» هستند و میتوانند بعنوان «استاپ مطمئن» انتخاب گردند؟

✓ نقطه D درسته. به نظر من C بیشتر شبیه به يك high است تا يك قله .

البته با مراجعه به تایم فریم های پایین تری مانند M5 و M1 ممکن است نقطه C نیز در آن ابعاد، بصورت يك قله «کامل مینیاتوری» دیده شود،

ولی بهرحال در تایم فریم فعلی یعنی M15 نقطه C مطلقا يك قله نیست چه برسد به آنکه «کامل» باشد!

سوال سوم- پاسخ سوال قبل را برای حالتی که پوزیشن مذکور فعال شده باشد، مجددا بیان بفرمایید.

✓ در این حالت نقطه B درست است .

زیرا پس از فعال شدن پوزیشن مذکور ، هر دو قله B و D قله های کامل می گردند.

اما به نظر شخصی بنده پس از فعال شدن پوزیشن، بعنوان حدضرر ، نقطه C با توجه به موقعیت مووینگ آبی ، مناسب تر از قله B است.

البته قسمتهایی را که خود علیرضاخان تحت عنوان «به نظر بنده» بیان نموده اند، اگرچه می توانند کاملا صحیح باشند ، ولی بهرحال باتوجه به اینکه اندکی خاص و سلیقه ای هستند ،

لذا آنها را

مووینگ فقط آبی !

اولین چیزی که باید بگویم این است که وقتی که درباره شیب مووینگها صحبت میکنیم، و میخواهیم بر مبنای آن مثلا جهت روند را تشخیص بدهیم و یا حتی میزان قدرت روند را ، باید توجه خودتان را صرفا به شیب **مووینگ آبی** اختصاص دهید! زیرا بعنوان مثال **مووینگ قرمز** ، که احساساتی ترین و زودباورترین برادر در بین مووینگهای جادویی است ، ممکن است در طول يك روند ثابت ، بارها بالا و پایین برود و شیبهای مختلفی را در طی آن ، از خودش بروز دهد.

ولی این فقط **مووینگ آبی** است ، که بعنوان پخته ترین و دیرباورترین برادر ، در واقع بین مووینگها نقش برادر بزرگتر را ایفا نموده.

و همیشه ابتدا آنقدر صبر میکند تا از جهت و اندازه قدرت روند جاری مطمئن گردد، و صرفا پس از کسب اطمینان کافی است که بدنبال قیمت به راه میافتد ، و جهت روند و اندازه قدرت آن را نشان میدهد.

بنابراین هنگامیکه میخواهید درباره شیب مووینگهای جادویی صحبت کنید، و ببینید که مثلا آیا روند به سمت بالا است یا پایین؟ و از آن مهمتر آیا قدرت این روند ، برای ورود به بازار ، مناسب است یا خیر؟ صرفا باید نگاه خودتان را معطوف به **مووینگ آبی** نمایید، و شیب و نحوه حرکت آن بدنبال قیمت را مدنظر قرار دهید.

به
سبک

فارکس

پشتون



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :